روایتی از یک بن‌بست

این بچه، بچه من نیست

■ **ناصر صبحی**

این ماجرای مردی است که می‌گوید بدترین نوع خیانت در حق او انجام شده است. توی یک دستش نتیجه آزمایشگاه و دست دیگرش حکم دادگاه، پریشان و درمانده به دفتر نشریه آمده تا کمک بگیرد: «دارم دیوانه می‌شوم. تنها چیزی که می‌خواهم فهمیدن حقیقت است و اجرای عدالت در حق خودم.» جواب آزمایشگاه را نشان می‌دهد. جوابی که مشابه آن کمترسانه‌ای شده است. آزمایش DNA می‌گوید، بچه‌ای که این مرد تاکنون تصور می‌کرده فرزندش است، متعلق به او نیست. می‌گوید در لحظه‌ای که آزمایشگاه این جواب را به او داده، انگار دنیا را بر سرش آوار کردند. مسئول آزمایشگاه پیش از دادن جواب آزمایش و پس از آن تلاش کرده او را آرام کند اما در عین حال، صحت آزمایش را نیز از هر لحاظ تایید کرده است.

■ **آغاز ماجرا**

زندگی این مرد و همسرش شبیه دیگران است. هرچند مشکلات از همان ابتدا خود را نشان می‌دهند. مرد آن‌قدر عاشق بود که وقتی خانواده‌اش، با این ازدواج مخالفت می‌کنند، او همسرش را به خانواده‌اش ترجیح می‌دهد. خانواده نیز او را طرد می‌کند. نه در مراسم عروسی‌اش شرکت می‌کنند و نه حمایتی از او انجام می‌دهند. مرد می‌گوید: «همسرم و خانواده‌اش هرگز این ماجرا را فراموش نکردند و بعدها هروقت بحث و دعوایی پیش می‌آمد، این ماجرا را به رخ من می‌کشیدند.»

با این وجود زندگی مرد و همسرش در ابتدا خوب است. آن‌ها صاحب فرزندی می‌شوند که قرار است زندگی‌شان را رونقی دگرباره ببخشد. اما به تدریج روزگار چهره ناخوش خود را نشان می‌دهد. مرد چند باری در شغلش به مشکل برمی‌خورد اما به گفته خودش مهم‌ترین دلخوشی‌اش، همسر و فرزندش هستند.

مرد پس از مدتی متوجه می‌شود همسرش سیگار می‌کشد و مشروب می‌خورد. او به ما می‌گوید: «از این دو کار متنفر بودم.» با این وجود سعی می‌کند با او راه بیاید. در این بین فرزند دوم نیز متولد می‌شود اما اوضاع به سوی بدتر شدن پیش می‌رود: «من بچه نمی‌خواستم و قرار نبود بچه‌دار شویم. من می‌خواستم بچه سقط شود اما همسرم قبول نمی‌کرد. بارها سر این موضوع دعوا کردیم اما کوتاه نیامد.»

او دوستان خاصی دارد و زمان خود را با ایشان می‌گذارند، با ایشان به سفر می‌رود... اتفاقی بذر سوظن را در دل مرد می‌کارد و او به سلامت روابط همسرش شک می‌کند. از این پس دعوا و درگیری‌ها زیاد می‌شود.

یک روز، مرد برای برداشتن چیزی که جا گذاشته به خانه برمی‌گردد و می‌بیند که همسرش تلفنی در حال گفت‌وگوی صمیمانه با فردی است. مرد گوشی را از زنش می‌گیرد و درگیری ایجاد می‌شود. آن‌طور که می‌گوید، زن به سمتش هجوم می‌آورد و گوشی را می‌گیرد. مرد مانع می‌شود، زن را هل می‌دهد. سر زن به دیوار می‌خورد و می‌شکند. آن شب زن به خانه پدرش می‌رود و مرد می‌افتد درون گوشی همسرش و پیام‌هایی را می‌بیند که اساس زندگی او را متزلزل می‌کنند. پیام‌هایی که حاوی نشانه‌هایی از خیانت زن بوده است.

■ **فرزند دوم**

اوضاع روحی مرد به هم ریخته و یک حامی یا همراه ندارد. پس از سال‌ها به خانواده‌اش رجوع می‌کند. خانواده‌اش هرچند از او استقبال می‌کنند اما سرزنش‌ها تمامی ندارد. یکی از روزها که مرد به همراه فرزند کوچکش به سراغ خانواده رفته، یک جمله پدر باعث می‌شود دنیای مرد، زیر و رو شود: «این بچه شباهتی به تو ندارد.»

باید تکلیف این قضیه را یک بار برای همیشه روشن می‌کرد تا از این کابوس برزخوار بیرون بیاید حتی اگر حقیقت ترسناک‌تر از کابوس باشد. او با فرزند کوچکش به کرمان می‌رود و به یک آزمایشگاه مراجعه می‌کند: «این کودک، فرزند شمانیست».

■ **پدر واقعی کیست؟**

این مهم‌ترین سوال مرد است. او تلاش می‌کند با استفاده از پیام‌های همسرش این موضوع را دریابد و در نهایت به ۴ نفر مشکوک می‌شود و از این بین، شک او به یک فرد، بیش از باقی‌ست. مرد از طریق پلیس فتا اقدام می‌کند. فرد مورد نظر پیدا می‌شود. یک فرد متاهل و دارای فرزند: «اما این کار نیز راه به جایی نبرد زیرا سیم‌کارت متعلق به همسرم بود و او هم شکایتی نداشت و دادگاه به همین دلیل شکایت من را رد کرد.» تلاش مرد برای یافتن حقیقت از زبان همسرش بی‌فایده است و او همه‌چیز را انکار می‌کند.

■ **شکایت رد می‌شود**

دادگاه معتقد است مرد باید تا ۳ ماه پیش از ورود نام کودک به شناسنامه این شکایت را مطرح می‌کرد اما عدم شکایت در آن زمان به معنی پذیرفتن این حقیقت است که آن کودک، فرزند اوست. دادگاه تجدیدنظرهم با دلایل مشابه ادعای او را رد می‌کند. «وقتی که من برای این کودک شناسنامه می‌گرفتم که حقیقت را نمی‌دانستم. حالا از حقیقت مطلع شده‌ام و می‌خواهم نام این کودک از شناسنامه من خارج شود.»

مرد می‌گوید: «من ابتدا از همسرم خواهش کردم با من بیاید و آزمایش بدهد اما نیامد. از دادگاه هم خواستم که همسرم را مجبور کند که آزمایش بدهد اما دادگاه نیز نپذیرفت. اگر دادگاه دستور می‌داد زنم آزمایش بدهد، شاید این کودک به زنم هم نمی‌خورد. در این صورت یعنی بچه در آزمایشگاه به اشتباه عوض شده و بچه هیچ‌کدام‌مان نیست.»

■ **اما اگر این کودک، فرزند زن باشد چه؟**

«به زنم گفتم، به دادگاه گفتم، به شما هم می‌گویم. هر جا هم که لازم باشد امضا می‌دهم و سوگند می‌خورم که از زنم هیچ شکایتی ندارم. من فقط می‌خواهم نام این کودک از شناسنامه من خارج شود. اگر کودک متعلق به مرد دیگری است، او باید مسئولیتش را قبول کند. من از همسرم جدا خواهم شد و این‌که او می‌خواهد با آن مرد چه کار کند، دیگر به من ربط ندارد اما من نمی‌خواهم نام فرزند مرد دیگری در شناسنامه‌ام باشد.»

یکی از وکلای دادگستری به طور غیررسمی به پاسارگاد می‌گوید: «مشکل ما در این موارد، قوانین صفر و صدی هستند. در این موارد، اگر قانون اجازه آزمایش بدهد و معلوم شود کودک به آن مرد تعلق نداشته، حکم بسیار سنگینی در انتظار زن است. بنابراین هرچند به زبان نمی‌آید اما ترجیح این است این موارد به دلیل عوارض مهیب فردی و اجتماعی، تا حد امکان بررسی نشوند؛ مگر آن‌که شرایط مورد ارجاع داده شده، با شرایط ذکر شده در قانون بخواند.»

وحید قرایی، کارشناس حقوقی هم در این مورد می‌گوید: «هیچ محکمه‌ای خارج از روال و مواد قانونی مجاز به رسیدگی و صدور دادنامه نیست و قاعدتا در این مورد هم قانون چارچوب‌ها را مشخص کرده و در این مورد راهکارهای قانونی مشخص است و با آرامش و تمسک به راه‌های قانونی می‌توان امور مربوط به این پرونده را پیش برد. حالا که کار به اینجا رسیده و به نظر می‌رسد که نه این مرد و نه همسرش از حداقل مشاوره‌های حقوقی و روانشناسی در ابتدا و همچنین طی مسیر زندگی مشترک بهره نبرده‌اند. باید با آرامش در همان مسیرهای قانونی و با استفاده از مشاوره‌های حقوقی و با پرهیز از هیجان‌زدگی و حاشیه‌پردازی و شتاب‌زدگی به نتیجه لازم رسید. طرح دعاوی متعدد و گاهی غیرمرتبط قطعا نتیجه‌بخش نیست و با مشورت گرفتن از آگاهان حقوقی و وکلا می‌توان مسیر مناسب را برای خاتمه دادن قانونی و خوشایند به این ماجرا پیدا کرد. باید پذیرفت که قانون‌نویس نظم عمومی جامعه را نیز همیشه در نظر می‌گیرد و باید این موضوع را مورد توجه قرار داد اما راه‌های قانونی همیشه برای رسیدم به نتیجه باز خواهد بود».

■ **می‌خواهم صدایم شنیده شود**

«من زنم را آن‌قدر دوست داشتم که اگر یک بار خیانت کرده بود اما قول می‌داد دیگر جبران کند و به سرزندگی‌اش برگردد، او را می‌بخشیدم اما او بدترین نوع خیانت را مرتکب شد. نه تنها پشیمان نشد و هنوزم پشیمان نیست بلکه چند سال، فرزند فرد دیگری را به نام فرزند خودم به من معرفی کرد. او سال‌ها در حق من خیانت مدام کرد.»

مرد می‌گوید: «تنها دلیلی که او را هنوز طلاق نداده‌ام، مشخص شدن وضعیت این بچه است. من فقط همین را می‌خواهم.»

«هیچ مرجعی حاضر نیست صدایم را بشنود و کمک کند. اگر قانون نخواهد یا نتواند حقیقت را بفهمد و عدالت را اجرا کند، من برای یافتن حقیقت و اجرای عدالت باید به که مراجعه کنم؟»

او به عنوان آخرین راه به سراغ پاسارگاد آمده تا شاید صدایش شنیده شود. تا شاید کمی از سوزانندگی این حس جهنمی کاهش یابد و در عین حال امیدوار است انتشار این مطلب، باعث شود راهی جلوی پای او گشوده شود.

آگاهیِ اقتصادی

■ **فرناز خانعلی‌زاده***

اقتصاد، علم بررسی انتخاب‌هاست و برای برخوردار بودن از رفتار اقتصادی باید انتخاب‌هایی بهینه در شرایط مختلف داشته باشیم. ما با هربار تصمیم و گزینش عامل اقتصادی محسوب می‌شویم که با یادگیری مفاهیم اقتصادی می‌تواند تصمیمات بهتری بگیرد که در مقاطع خرد و کلان بر زیست ما و جوامعی که با آن در ارتباطیم اثرگذار است. این علم به تصمیم‌گیری‌های بهینه بزرگ‌ترین فایده‌یِ اقتصاد برای ماست. ما باید نیازها و حقوق خود را شناخته و در پس آن با روشی مناسب و کارگشا آنها را طلب کنیم و حتی در مواردی منتظر هنجار و دستور نمانده و تصمیمات خود را با آگاهی اقتصادی، موثرتر بگیریم.

به عنوان مثال اگر امسال در حال خریدن رمزارزها هستید و سال گذشته مقدار زیادی از پولتان را در بورس اوراق بهادار سرمایه‌گذاری کردید، چه دلیلی جز تبلیغات پیوسته، کنجکاوی، جو حاکم و پیشنهاد عمه و دایی دارید؟ آیا نسبت به شاخص‌های معیاری و تحلیل بازار اطلاعات کسب کردید؟ آیا قبل از ورود به دنیای این بازارهای مالی با نقشه‌راه آشنا شدید؟ آیا در مقایسه با میزان رشد دارایی نسبت به نرخ تورم، بازار مالی درستی را انتخاب کردید؟ اگر برای این سؤال‌ها جواب‌تان منفی است، روی سخنم با شماست و با سخنی از آدام اسمیت کلامم را خلاصه می‌کنم: «جهدِ طبیعی هر فرد انسان به بهبود حال و روز خویش... چنان نیروی پرقدرتی است که به تنهایی و در غیاب هر نیروی کمکی، نه تنها قادر است جامعه را به سوی ثروت و برخورداری پیش براند، بلکه می‌تواند بر صدها مانع بازدارنده‌ای چیره شود».

این بهروزی اقتصادی با فاکتور گرفتن از تمام سیاستگذاری‌ها، رانت‌ها، دامنه‌های نوسان، سهامداران حقوقی و حباب‌های پنجاه درصدی و تنها با در نظر گرفتن نقش مردم به عنوان عامل اقتصادی، با آگاهی فردی رخ می‌دهد.

*دانشجوی کارشناسی اقتصاد

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود تابناک گستر رفاه اندیش در تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۵ به شماره ثبت ۱۷۴۸۷ به شناسه ملی ۱۴۰۰۹۹۲۰۲۴۱ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.
موضوع فعالیت: تصدی به فعالیت خدماتی و نظافتی و تامین نیروی خدماتی اعم از نظافتچی منزل و شرکت، نیروی کار فنی و غیره در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذی‌ربط
مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود
مرکز اصلی: استان کرمان، شهرستان کرمان، بخش مرکزی، شهر کرمان، محله آزادی، کوچه استقلال ۷، خیابان استقلال، پلاک ۰، طبقه دوم کد پستی ۷۶۱۳۶۹۸۷۳۵
سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم‌الشرکه هر یک از شرکا آقای عبدالرضا حدادی به شماره ملی ۵۱۵۰۰۶۶۵۵۹ دارنده ۱۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه آقای عبدالمجید حدادی به شماره ملی ۶۷۸۰۰۰۱۴۷۳ دارنده ۹۹۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه اعضا هیئت‌مدیره آقای عبدالرضا حدادی به شماره ملی ۵۱۵۰۰۶۶۵۵۹ و به سمت نایب‌رئیس هیئت‌مدیره به مدت نامحدود آقای عبدالمجید حدادی به شماره ملی ۶۷۸۰۰۰۱۴۷۳ و به سمت رئیس هیئت‌مدیره به مدت نامحدود و به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود
دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها، عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه‌های عادی و اداری با امضای عبدالمجید حدادی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه روزنامه کثیرالانتشار پاسارگاد جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد.
اداره‌کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری کرمان (۱۱۱۹۸۰۱)

دعوت به همکاری
به یک منشی خانم مسلط به کامپیوتر با روابط‌عمومی بالا جهت کار در کافی‌نت نیازمندیم.
۰۹۱۳۳۴۵۹۰۰۷

دعوت به همکاری
نمایندگی سایپا واقع در بلوار امام رضا(ع) از یک نفر مکانیک دعوت به عمل می‌آورد.
۰۹۳۹۷۲۸۶۴۲۳ - ۴۲۲۳۲۹۲۹

املاک امیرکبیر
زمین ۱۱/۵ قصب دوکله اراضی شهرداری شهرک نصر ۲/۳۰۰
منزل قدیمی ۹ قصب سه‌نبش با سه طبقه پروانه ادامه‌ی کوچه‌ی دکتر ادیب‌پور ۲/۴۰۰ میلیارد
منزل تجاری مسکونی ۱۲ قصب نوساز همکف کامل تجاری بالا مسکونی ۴۵۰ متر زیربنا بر بلوار اصلی اکبرآباد ورودی از طرف بلوار سیدجمال توافقی
منزل ۱۲ قصب در به ساختمان ۲۰۰ متر زیربنا تیرآهنی خ مقداد ۲/۸۰۰ میلیارد
زمین ۸ قصب در به حیاط اراضی بهرامی ۳۳۰ م
آپارتمان ۱۱۰ متر هر طبقه یک واحد نوساز طالقانی ۱/۴۰۰ میلیارد
باغ هشتاد قصب با درختان ثمری یک حبه آب روبروی امامزاده احمد(ع) نقدی یا معاوضه
۱۱۰ قصب باغ انتهای آباده قصبی ۸ میلیون
منزل ۱۲ قصب شناژدار دوکله روبروی فضاسبز انتهای قاآنی
زمین ۱۲ قصب دو کله منطقه ویژه اقتصادی
آپارتمان ۱۰۰ متر دوخوابه آسانسور پارکینگ انباری خ فردوسی ۹۰۰ م
آدرس: ابتدای خیابان امیر کبیر، جنب تاکسی تلفنی توسن
۰۹۱۳۲۷۹۹۶۶۷ - ۰۹۹۲۳۹۶۳۶۱۹ - ۴۲۲۰۵۳۶۰ - ۰۹۲۱۷۵۹۳۸۸۹

نقاشی ساختمان
۰۹۲۲۳۱۹۴۸۴۶

خریدار ضایعات آهن و غیره هستیم
۰۹۱۳۲۴۷۶۱۴۴
۰۹۱۳۳۴۷۰۵۲۰

ضایعات و آهن
دست دوم و غیره
شما را با بهترین قیمت خریداریم
۰۹۱۳۲۷۹۷۲۹۵

ضایعات و آهن آلات
۰۹۱۳۳۴۵۶۴۰۳
۰۹۱۳۲۴۵۶۶۸۴

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای احمد بختیاری با ارائه دو برگ استشهادیه از دفتر اسناد رسمی شماره ۹۳ سیرجان مدعی است که سند مالکیت سه دانگ از ششدانگ پلاک ۵۰۹۳ اصلی واقع در بخش ۳۷ کرمان به نام آقای احمد بختیاری ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده است که به علت جابه‌جایی مفقود گردیده، لذا به دستور تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب جهت اطلاع مردم آگهی می‌شود تا هرکس مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد، ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار روزنامه گواهی اعتراض خود را به این اداره تسلیم دارد. در غیر این صورت پس از سپری شدن مدت قانونی و عدم واخواهی سند مالکیت المثنی به نام مالک صادر خواهد شد. ۱۰۲۲ م.الف
تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰
محمد آرمانپور- رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان سیرجان

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای محمدعظیم حکیمی‌پور با ارائه دو برگ استشهادیه از دفتر اسناد رسمی شماره ۲۲۴ سیرجان مدعی است که سند مالکیت ششصد و بیست و چهار سهم از یک‌هزار و پنجاه و شش سهم ششدانگ پلاک ۵۸۱ اصلی واقع در بخش ۳۸ کرمان به نام آقای محمدعظیم حکیمی‌پور ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده است که به علت جابه‌جایی مفقود گردیده، لذا به دستور تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب جهت اطلاع مردم آگهی می‌شود تا هرکس مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد، ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار روزنامه گواهی اعتراض خود را به این اداره تسلیم دارد. در غیر این صورت پس از سپری شدن مدت قانونی و عدم واخواهی سند مالکیت المثنی به نام مالک صادر خواهد شد. ۱۰۱۸ م.الف
تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰
محمد آرمانپور- رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان سیرجان

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای انجام عملیات تنظیف و رفت و روب معابر و جمع‌آوری زباله در محدوده منطقه دو شهرداری سیرجان (نوبت اول)
شهرداری سیرجان در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات (شرح مختصر: انجام عملیات تنظیف و رفت و روب معابر و جمع‌آوری زباله در محدوده منطقه دو شهرداری سیرجان) به شماره ۲۰۰۰۰۰۵۶۷۴۰۰۰۰۱۹ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارایه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۰ می‌باشد.
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از تاریخ انتشار اسناد مناقصه تا ساعت ۱۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۹
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: از تاریخ دریافت اسناد مناقصه تا ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۸
زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۸:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۹
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها
الف: آدرس: سیرجان- میدان انقلاب- شهرداری مرکزی- امور قراردادها شماره تماس: ۴۱۳۲۵۰۷۷ - ۰۳۴
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴- ۰۲۱
دفتر ثبت‌نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان

کلینیک دندانپزشکی مهرگان
Mehregan Dental Clinic
مجهز به اتاق استریل مرکزی
استفاده از پک‌های یک‌بار مصرف برای بیماران به صورت مجزا
مجهز به رادیولوژی دیجیتال دندانی
عمومی
شبانه‌روزی
تخصصی
رعایت اصول پیشگیری از انتقال ویروس کرونا مطابق با استانداردهای جهانی
نشانی: سیرجان- خیابان شریعتی- کوچه اعلاء (حاج رشید) کوچه جنب بهزیستی
تلفن: ۴۲۲۰۳۱۷۱ - ۴۲۲۰۳۱۷۲
mehrgan_dental_clinic